

در آغاز راهیم

حدیث پژوهی در ایران پس از انقلاب
اسلامی در مقایسه با پیش از آن
در گفت‌وگو با دکتر مجید معارف

اشاره

دکتر مجید معارف، عضو هیئت علمی دانشکده الاهیات دانشگاه تهران و مدیر گروه علوم قرآن و حدیث، از جمله اندیشمندان محقق است که از دو چشمه حوزه و دانشگاه سیراب شده و آداب دینی را به ادب پژوهش روش‌مند دانشگاهی پیوند می‌زند. بخش اعظم تحقیقات ایشان بر علوم حدیث متمرکز بوده و کتاب‌های پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تاریخ عمومی حدیث، جوامع حدیثی اهل سنت، و ده‌ها مقاله علمی - پژوهشی در خصوص «نقد حدیث» و «تاریخ حدیث و منابع آن» حاصل این تحقیقات است. آنچه پیش دید شماست، حاصل گفت‌وگو با ایشان درباره بررسی مطالعات حدیثی در ایران پس از انقلاب و مقایسه آن با پیش از آن است.

شکوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعات حدیثی در ایران پس از انقلاب (طی این سه دهه) از چه ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی برخوردار بوده است؟

دکتر معارف: مطالعات حدیثی و حدیث-

پژوهی، با شکل تحقیقی و علمی، اساساً با انقلاب اسلامی در ایران متولد شده و شاید برای بسیاری افراد جای تعجب باشد، اگر بدانند که ما پیش از انقلاب اسلامی، برنامه مدونی در خصوص مطالعات حدیثی در دانشگاه‌های کشور نیز نداشتیم. پیش از انقلاب در حوزه الاهیات، از ابتدا، تنها دو رشته تحصیلی، یکی با عنوان فقه و مبنای حقوق اسلامی وجود داشت که به منقول شهرت داشت و دیگری، رشته فلسفه و کلام که به معقول مشهور بود، و در واقع، الاهیات با این دو گرایش آغاز شد. بعد از آن در یک تا دو دهه پیش از انقلاب، گرایش سوم با عنوان فرهنگ عربی و فرهنگ قرآنی و گرایش دیگری نیز با عنوان تاریخ و تمدن اسلامی تأسیس شد. در اوایل انقلاب اسلامی، حداکثر پنج گرایش در دانشگاه الاهیات تهران بود که هیچ‌کدام از این گرایش‌ها مستقیماً در حوزه علوم قرآن و حدیث نبود، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ابتدا در برخی در دانشگاه‌ها مانند تهران و تربیت مدرس، گرایشی با عنوان علوم قرآن و حدیث تصویب و راه‌اندازی شد و دانشجویانی پذیرش شدند که برای اولین بار با دروسی از قبیل تاریخ حدیث، فقه-الحدیث و درایة‌الحدیث آشنا می‌شدند. نیز، پس از دوازده سال که از تاریخ تأسیس این رشته گذشت، به تدریج رشته‌های تخصصی دیگری با عنوان علوم حدیث در دانشکده علوم حدیث راه‌اندازی شد. به همین ترتیب می‌توانیم از تأسیس دانشکده علوم حدیث و مؤسسه علمی، تحقیقاتی دارالحدیث نام ببریم که از دستاوردهای انقلاب اسلامی و حرکت‌های مهم علمی در این حوزه است که پس از انقلاب اسلامی به وجود آمده‌اند که دارای کارنامه قابل قبولی هستند. در ادامه، یکی دیگر از رشته‌هایی که در این حوزه، از دستاوردهای پس از انقلاب به شمار می‌آید، تأسیس رشته تخصصی با عنوان نهج‌البلاغه است که در سطح کارشناسی ارشد مشغول





فعالیت است.

از اتفاقات دیگر در حوزه حدیث پژوهی، انتشار مجلات و نشریه‌های علمی است که از نمونه این نشریات، به مجله علوم حدیث، حدیث اندیشه اشاره می‌کنم که در دانشکده حدیث منتشر می‌شود. همچنین بیش از ده مجله معتبر علمی دیگر با درجه علمی پژوهشی که جدیدترین تحقیقات را در حوزه حدیث و علوم قرآن به صورت توأمان منتشر می‌کنند.

از این‌ها که بگذریم، ما دو دایرةالمعارف اسلامی و دانش‌نامه‌ای با عنوان دانش‌نامه جهان اسلام داریم که اخیراً شماره دوازدهم آن منتشر شده است و بسیاری از تحقیقات علمی در حوزه علوم حدیث را می‌توان در این دو مجموعه سراغ گرفت. مخصوصاً دانش‌نامه جهان اسلام مدخل بلند و بالایی با عنوان حدیث منتشر کرده که این مدخل توسط یک تیم علمی که از اصحاب حدیث و پژوهش‌گران فعلی مسائل حدیث در ایران هستند، گردآوری شده است و هشتاد تا نود صفحه از این کتاب را در بر دارد. بنده نیز افتخار این را داشتم که سهم مختصری از این مقاله مفصل را به عهده داشته باشم.

مطالعات حدیثی در قیاس با قبل از انقلاب (طی این سه دهه) از چه تمایزها و احیانا امتیازاتی برخوردار بوده است؟

دکتر معارف: مطالعات حدیثی، پیش از انقلاب، تقریباً در وضعیت صفر قرار داشت، البته منظور بنده وضعیت صفر در نظام دانشگاهی است و مقصودم نظام حوزه‌های دینی یا تحقیقات شخصی نیست، زیرا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، اشخاصی بودند که در

پژوهش مسائل حدیثی فعالیت داشته و آثاری را تألیف نمودند. برای نمونه از محمدرضا حکیمی نام می‌برم که به همراه علی حکیمی و محمد حکیمی، مجموعه وزینی با نام الحیاء را تألیف نمودند و نیز از مجموعه میزان الحکمه یاد می‌کنم که تألیف آن، پیش از انقلاب آغاز شده بود و نیز حدیث پژوه نام‌داری، قبل از انقلاب با نام مرحوم استاد علی‌اکبر غفاری سراغ داریم که سهم انکارناپذیری در حوزه پژوهش‌های حدیثی و احیای بسیاری از نسخ خطی قدیمی حدیثی دارند. نیز، استاد به‌نام دیگر، جناب محمدباقر بهبودی که بیش از ده‌سال از عمر گران‌بهای خود را متمرکز در پژوهش‌های حدیثی کرد. بنابراین، مطالعات حدیثی پیش از انقلاب، بیشتر در قالب مقابله نسخه‌های خطی حدیثی و احیای این نسخ و توضیح و تعلیقات بر آن-هاست، اما پس از انقلاب، با تأسیس این رشته به صورت تخصصی در دانشگاه‌های کشور، فازهای جدیدی در این حوزه با عناوین تاریخ حدیث که به بررسی سرگذشت حدیث از زمان صدور آن تا تدوین آن در کتاب‌های جامع می‌پردازد و نیز فقه‌الحدیث و مصطلحات حدیثی شکل گرفته است و هم‌اکنون درباره این عناوین، ده‌ها اثر پژوهشی در قالب کتاب و مقاله دیده می‌شود.

حدیث پژوهی، پیش از انقلاب، چنان‌که بیان شد، اغلب در اندیشه احیای نسخه‌های خطی و عرضه زیبا و منقح آن است، اما پس از انقلاب، بیشتر شناخت علمی حدیث و معیارهای نقد حدیث و مبانی فهم آن مورد توجه قرار گرفت. گفتنی است، یکی دیگر از افق‌های جدید در این حوزه که پس از انقلاب مشاهده می‌شود، برقراری یک رابطه بین حدیث و زندگی است که دغدغه آن پاسخ به این پرسش-هاست که آیا بین حدیث و مسائل اجتماعی، اقتصاد، اخلاق و تربیت و مسائل این‌چنینی می‌توان ارتباطی برقرار کرد؟

ارزیابی شما از وضعیت مطالعات حدیثی، به لحاظ کمی و کیفی چیست؟

دکتر معارف: به زعم بنده، حدیث پژوهی در ایران از مرحله طفولیت و نوجوانی خود عبور کرده و اکنون در کمال جوانی خود به سر می‌برد، ولی هنوز تا رسیدن به نقطه بلوغ و کمال نهایی فاصله دارد.

زمانی، حدیث پژوهی به شکل یک علم دسته دوم، تنها ذیل بحث‌های فقهی مطالعه می‌شد؛ یعنی، مثلاً عالم و مجتهد، در بحث‌های مربوط به فقه، وقتی با حدیثی مواجه می‌شد، به تحلیل محتوایی و سندی آن حدیث می‌پرداخت و درباره آن اظهار نظر می‌کرد. در حالی که امروز دانش حدیث، به شکل مستقل مورد مطالعه قرار می‌گیرد و حدیث بما هو حدیث مطالعه می‌گردد و خوشبختانه در خصوص بسیاری از موضوعات در این حوزه، تحقیقات شایسته و

این چالش‌ها را در کار حدیث‌پژوهانی هم‌چون، گل‌زهر، شاخت و موبیر مشاهده می‌کنیم. این موجب شده که دانشمندان اسلامی موضع تدافعی بگیرند و در مقام دفاع از اعتبار احادیث برآیند.

پیرو این موضع‌گیری تدافعی، حدیث‌پژوهی در بین دانشمندان اهل سنت در عصر ما، از یک بعد بسیار خوبی برخوردار شده و ما شاهدیم که در جهان اهل سنت، حدیث‌پژوهان به‌نامی مانند، احمد محمود شاکر مصری، محمدفؤاد عبدالباقی، صبحی صالح، محمدعجاج خطیب، محمد ابوزید، نورالدین عتر و... هستند که آنان رویکردی نقدی به حدیث داشته و در عین حال، دغدغه اعتبار و اصالت روایت نبوی بر جانشان حاکم است و این باعث شده که هم تألیفات شایسته و آبرومندی منتشر کنند و هم بسیاری در حوزه‌های فقه‌الحدیث، نقد حدیث و تاریخ حدیث بنگارند. گفتنی است، حدیث-پژوهی در کشورهای عرب و اهل سنت، دارای سابقه‌ای طولانی‌تری نسبت به ایران است. اگر ایران، تاکنون در حدود سی سال نگاه علمی به حدیث داشته، حدیث‌پژوهی در جهان اهل سنت، از پنجاه یا شصت سال آغاز شده است، ولی در ایران، با این‌که این دانش عمر کمتری دارد، رشد و شتاب بیشتری نسبت به آن کشورها دارد. نکته دیگری که به حدیث‌پژوهی ایران نسبت به جهان، مخصوصاً در کشورهای اسلامی امتیاز می‌دهد، این است که اندیشه تقریب در ایران، بسیار قوی است.

پژوهش‌گران معاصر ایرانی نگاهشان تقریبی است و استخراج مشترکات روایی شیعه و سنی، از نکات مثبت آنان به‌شمار می‌آید. از جمله این آثار می‌توانیم به تألیفاتی مانند الحیاء، میزان الحکمه، حکمت-نامه پیامبر (ص)، الامام علی بن ابی طالب (ع) فی کتاب و السنن و التدریج اشاره کنیم. اساس این کتاب‌ها این است که ما مشترکات



قابل توجهی انجام گرفته است. البته با وجود این پیشرفت نسبت به قبل، هنوز پتانسیل تحقیق در این زمینه تمام نشده و هنوز در مباحث مربوط به حدیث‌گره‌هایی وجود دارد که شایسته است، دانشمندان در این حوزه، چه به صورت فردی یا جمعی به آن بپردازند. گفتنی است یکی از کارهای قابل توجه در این حوزه، احیای رجال برجسته حدیث، از طریق برپایی کنگره‌ها و نگاشتن مقالات علمی است. از جمله آن، کنگره علامه مجلسی است که حاصل آن سه مجلد به نام علامه مجلسی به چاپ رسید. نیز، کنگره شیخ مفید که دستاوردهای خوبی به همراه داشت. در حالی که از قبیل این کنگره‌ها، پیش از انقلاب، تنها یک نمونه با عنوان شیخ طوسی داشتیم.

با این‌همه، دهه‌ها مسئله نو و جدید در این حوزه وجود دارد که می‌توانیم در این باره مقالات علمی، پایان‌نامه و تألیف داشته باشیم.

آیا پس از پیروزی انقلاب، تألیف خاصی از جانب برادران اهل سنت در مورد منابع حدیثی خودشان به چاپ رسیده است؟

دکتر معارف: بنده تألیف خاصی در این باب از ناحیه آن‌ها ندیدم، ولی به نظر می‌رسد این اتفاق در آینده خواهد افتاد، چون ما در حال حاضر دانشجویانی از اهل سنت داریم که جوانان واقعا بافضیلتی هستند، من آن‌ها را بسیار دوست می‌دارم. آن‌ها در مقطع دکتری در دانشگاه آزاد و دانشگاه تهران به تحصیل مشغولند؛ وقتی این دانشجویان به ثمر بنشینند، انتظار داریم که مستقیماً گزارش‌های آن‌ها را در مورد منابع حدیثی خودشان دریافت کنیم.

مطالعات حدیثی در ایران (سه دهه پس از انقلاب) در مقایسه با وضعیت جهانی چگونه است؟

دکتر معارف: اگر بخواهیم مطالعات حدیثی را خارج از ایران مشاهده کنیم، با دو جریان عمده مواجه می‌شویم:

۱. پژوهش‌های حدیثی که توسط خاورشناسان در جریان است.
۲. پژوهش‌های حدیثی که توسط دانش‌مندان اهل سنت انجام می‌گیرد.

اغلب خاورشناسان، حدیث را عبارت از سنن و روایات نبوی می‌دانند. برای این‌که آن‌ها از دریچه کتاب‌های اهل سنت به اسلام می‌نگرند. آن‌ها وقتی با حدیث مواجه می‌شوند، در درجه اول، کتاب‌هایی هم‌چون صحیح بخاری، مسلم و از این قبیل را می‌شناسند و در درجه بعد، به کتاب‌هایی مانند کافی نظر دارند. نگاه خاورشناسان به حدیث تند و تخریب‌گونه است؛ یعنی معمولاً در مطالعات حدیث‌پژوهی خاورشناسان به جای این‌که اعتبار حدیث ثابت شود، به دلیل نگاه برون‌دینی‌شان؛ این اعتبار با نوعی چالش جدی مواجه می‌گردد. نمونه

روایی شیعه و سنی را در موضوعات گوناگون طبقه‌بندی و تنظیم کنیم و سپس مطابق نیازهای روز به شکل کتاب‌های کاربردی ارائه دهیم و گفتنی است، این یک تفاوت بارز و امتیازی بین حدیث‌پژوهی ایران در مقایسه با کشورهای دیگر از جمله کشورهای اسلامی است. علاوه بر این نقد و پالایش روایات از دیگر امتیازات حدیث‌پژوهی در ایران است که قابل توجه می‌باشد.

اگر بخواهید به نمونه‌های چشم‌گیری در این حوزه اشاره کنید، آن نمونه‌ها کدامند؟

دکتر معارف: ابتدا به آثاری که توسط مؤسسه تحقیقاتی دارالحدیث انجام می‌گیرد، اشاره می‌کنم. امیدوارم به یاری خداوند، دانش حدیثی از این مرکز به سراسر عالم منتشر بشود. یکی از آثار ارزشمند این مؤسسه، موسوعه میزان الحکمه است که پژوهش بسیار مفصل و جامعی است که در آن مشترکات روایی مشاهده می‌گردد. دیگر کتاب‌هایی است که تحت عنوان تاریخ حدیث به چاپ رسید، که اولین کتاب تاریخ حدیث شیعه توسط بنده نگاشته شد و این پروژه بعداً مفصل‌تر شده و کتابی را با عنوان تاریخ حدیث در پنج جلد، دارالحدیث در اختیار علاقه‌مندان قرار داد.

آیا از بین این آثار، آثاری که قابل عرضه در محافل آکادمیک باشد، دیده می‌شود؟

دکتر معارف: بله، یکی از این آثار دایرةالمعارف وزینی است که در ایران منتشر می‌شود، که خوشبختانه دایرةالمعارف اسلامی از سال‌ها پیش، با انتشار فارسی آن، به زبان عربی نیز ترجمه شده است و اخیراً شاهد رونمایی نسخه ترجمه انگلیسی آن نیز بودم. درصدی از این دایرةالمعارف مربوط به مباحث حدیثی است. از دیگر آثار قابل عرضه، مجموعه‌هایی با عنوان میراث حدیث شیعه است که توسط دکتر مهدی مهریزی و دوستانشان به چاپ می‌رسد و نیز برخی از تألیفات بنده در این حوزه از زمره این آثارند. نیز کتاب‌هایی که در حوزه مبانی فهم و نقد حدیث نوشته می‌شود. هم‌چنین کتاب‌هایی که پیش از این اشاره کردیم؛ مانند میزان الحکمه و تألیقاتی که مبتنی بر پژوهش‌های حدیثی فریقین هستند و نیز کتاب وزین التفسیر الاثری الجامع، اثر محمدآدمی معرفت نیز از این زمره‌اند.

به نظر جنابعالی، با توجه به همه کارهایی که تاکنون در این حوزه انجام گرفته، جای چه مطالعات و پژوهش‌هایی خالی است؟

دکتر معارف: آن‌چه که جایش خالی است، کشاندن حدیث به عرصه‌های زندگی است. بنده فکر می‌کنم که ما در آغاز یک راه هستیم و می‌توانیم بیش از پیش در آینده نقش حدیث را به صورت کاربردی‌تری در حل مسائل جوامع اسلامی و مردم نشان دهیم. البته این اندیشه، با تعریف رشته‌هایی که به نوعی «میان‌رشته‌ای» هستند، صورت عملی به خود خواهد گرفت؛ یعنی این که مثلاً بین «الهیات و اقتصاد»، «الهیات و حقوق»، «الهیات و روان‌شناسی»، «الهیات و جامعه‌شناسی» و... ارتباط برقرار کنیم و بتوانیم سهم حدیث را در رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی، تا اندازه‌ای معین کنیم.

آیا این موضوع در جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌های کشورمان وارد شده است؟

دکتر معارف: بله، این کاری است که در اکنون، در جهت‌گیری پژوهشی کشور قرار گرفته است. به همین خاطر امروز می‌بینیم که مثلاً معاونت پژوهشی دانشگاه تهران، جهت‌گیری کاری‌اش این است که بتواند متخصصان رشته‌های مختلف را تشویق کند تا با درک مبانی علمی هر تخصصی، به شکل منطقی در کنار هم قرار بگیرند و سعی می‌شود تا جایی که می‌تواند بین متخصصان رشته‌های گوناگون، سازش برقرار کنند.

در زمان‌های گذشته، ممکن بود چنین تخصص‌هایی در یک نفر، مثلاً بوعلی سینا جمع شود، اما بعدها، ما در سایه جزئی‌نگری علوم، تفکیکی در علوم ایجاد کردیم که تفکیک به‌جایی بود و امروز، یک جمع دوباره‌ای در حال صورت گرفتن است، یا لاقلاً به آن دعوت می‌شوند و آن مطالعات «میان‌رشته‌ای» و سازش و تعامل بین رشته‌هاست. پیامبر اکرم (ص) به عنوان یک رهبر اجتماعی، دستورالعمل حکومتی صادر کرده‌اند، موضع‌گیری‌های سیاسی داشته‌اند و در مسائل مختلف اجتماعی، روان‌شناسی، اقتصاد و ارتباطات، رهنمودهایی داده‌اند و همه این‌ها در احادیث ما وجود دارد و من فکر می‌کنم، امروز زمان آن رسیده که در سایه توسعه علوم اجتماعی و اقتصادی بباییم و این دستاوردها را بشناسیم تا بتوانیم آن‌ها را به

تئوری‌های کاربردی تبدیل کنیم. این کار، قطعاً منشأ بسیاری از مشکلات علمی و اجتماعی ما خواهد شد.

آیا در عمل و در طول این سه دهه، تجربه‌های عملی نیز در این باره در کشورمان داشتیم؟ و آیا موفقیتی را به دنبال داشته است؟

دکتر معارف: بله، نمونه آن دانشگاه امام صادق (ع) است که از زمان تأسیسش، با چنین تفکری پا گرفت. برای همین، شما می‌بینید که رشته‌هایی مانند «الهیات اسلامی و حقوق»، «الهیات اسلامی و جامعه‌شناسی» و «الهیات اسلامی و روان‌شناسی» فعالیت دارند. و فکر می‌کنم موفقیت این تجربه‌ها بیشتر از عدم موفقیت بوده است، زیرا با ادامه این روند، ده‌ها نیروی متخصص در این سال‌ها پرورش یافته‌اند.

درباره آسیب‌شناسی مطالعات حدیثی طی این سه دهه، چه نکاتی را قابل طرح می‌دانید؟

دکتر معارف: ما در حوزه حدیث با مشکلاتی مواجهیم که در حوزه قرآن این موانع وجود ندارد. شاید در قرآن کریم این پرسش که آیا انتساب آیات قرآن به خداوند قطعی است یا خیر؟ برای مسلمانان معنایی ندارد، زیرا همگان می‌دانیم که قرآن کریم از پشتوانه تواتر برخوردار است. اما در ارتباط با حدیث، مطلعیم که سیر حدیث با آسیب‌هایی همراه بوده است که بدون شک در مطالعات حدیثی امروز تأثیرگذار است.

یکی از نکاتی که در عصر حاضر باید مد نظر قرار دهیم، این است که بدون ورزیدگی و داشتن مهارت در امر حدیث، به قلمرو آن وارد نشویم. پذیرش یا رد یک حدیث بر طبق مبانی اصولی است که دانستن آن شرط اصلی مطالعات حدیثی است، و الا عدم این آگاهی برای پژوهش‌گر در این حوزه، از آسیب‌های جدی به حساب می‌آید و ممکن است حدیث صحیحی رد شده و یا حدیث سقیمی پذیرفته گردد. از دیگر آسیب‌ها در این حوزه، برخورد ناقص و سوگیرانه با برخی روایات است. در این باره باید دانست که اولاً حدیث را می‌بایست در پرتو حدیث و آیات قرآن بفهمیم، یعنی در زمینه موضوعی بخواهیم تحقیق کنیم، تلاشمان بر این باشد که ابتدا قرائن مربوط به آن موضوع را شناسایی کنیم تا سپس بتوانیم بگوییم که نظرگاه این روایات در موضوع فرضی چیست. اگر چنین کنیم، داوری‌هایمان درباره احادیث از خطاهای کمتری برخوردار خواهد شد و غفلت در این امر در حدیث‌پژوهی آسیب جدی است.